

خبر

دیدار رئیس مجلس شورای اسلامی با رهبر معظم انقلاب

محمدباقر قالیباف، رئیس مجلس شورای اسلامی با حضرت آیت‌الله سیدمجتبی حسینی خامنه‌ای رهبر معظم انقلاب اسلامی، دیدار و گفت‌وگو کرد.

به گزارش رسانه‌رهبر انقلاب اسلامی، در این دیدار آخرین تحولات جنگ نظامی، اقتصادی و شناختی دشمن آمریکایی- صهیونی بررسی و بر تقویت مؤلفه‌های قدرت کشور، نقش مؤثر نمایندگان مجلس شورای اسلامی در حفظ و تحکیم انسجام اجتماعی و وحدت ملی و استمرار حضور آگاهانه و بازدارنده ملت مبعوث در تجمعات میدانی، اهتمام دولت و مجلس به همکاری در راستای گره‌گشایی از مشکلات اقتصادی و معیشتی مردم و پیشبرد امور مرتبط با شرکای راهبردی کشور تأکید شد. رئیس مجلس شورای اسلامی نیز در این ملاقات، گزارش‌هایی از فعالیت‌نمایندگان ملت از شروع جنگ تحمیلی سوم تاکنون و برنامه‌های جاری و آینده مجلس برای حل مسائل و مشکلات کشور را ارائه کرد.

نکته

علی علیزاده در واکنش به نقد روزنامه قدس، رادیکالیسم و تحریف را به اوج خود رساند و ادعاهای گزارش را اثبات کرد

آقای علیز متشکرم!

علی علیزاده (علیز) نسبت به مطلب چند روز پیش روزنامه قدس با عنوان «علیز یسم علیه وحدت»، واکنشی تند، عصبی و مملو از تحریف نشان داده است. او در ویدئویی که منتشر کرده با ادبیات مخصوص به خودش که توأم با فحاشی و اتهام‌زنی است، روزنامه قدس را به حمایت از «عباس آخوندی» متهم کرده‌است!

این مقاله روزنامه قدس که متن کامل آن در آرشיו سایت «قدس آنلاین» در دسترس است، نسبت به مراقبت از رادیکال شدن برخی تجمعات شبانه به عنوان شجره طبیهای که از خون رهبر شهید و ملت مبعوث شده روییده، تذکر داده بود که مبادا این ظرفیت عظیم و ستودنی که در مسیر اتحادی مقدس شکل گرفته است توسط جریان‌های دوقطبی‌ساز، دچار تضعیف و چنددستگی شود.

در این مطلب از «علیز یسم» به عنوان یکی از این جریان‌ها یاد شده و با اشاره به اتهام‌زنی‌های علیزاده به «عباس عراقچی» وزیر خارجه و تنی چند از مقامات کشور، لزوم صیانت از اتحاد ملی را در شرایط جنگی و غبار آلود فعلی گوشزد نموده و از بیانات و تذکرات رهبر معظم انقلاب به عنوان سنجه‌ای برای حفظ این انسجام و پرهیز از اختلاف‌افکنی یاد کرده است. در یک پاراگراف از این مطلب حدود هزار کلمه‌ای می‌خوانیم: «تحلیل‌های رادیکال ودوقطبی‌ساز از سوی امثال علیزاده‌ورخی دیگر از فعالان جریان‌های مختلف حتی ممکن است خوراک اتفاقات خطرناک‌تری را نیز فراهم آورد، چه آنکه در روزهای اخیر پس از سوءقصدنسبت به عباس آخوندی، عدلهای مدعی شدند این اتفاق از طرف برخی عناصر متأثر از این گرایش‌ها رقم خورده است. موضوعی که فارغ از صحت‌و سقمش، می‌تواند منجر به تشدیددوقطبی‌هایی شود که سسم‌هملک این روزهای سیاست داخلی در کشور و برهم‌زننده شجره طبیهای است که رهبر شهید از آن به‌نام اتحاد مقدس یاد کردند».

اینکه علیزاده چگونه از این پاراگراف که بدون تأیید خبر سوءقصد صرفا به خطر تشدید بیشتر دوقطبی ناشی از این ادعا هشدار می‌دهد نتیجه گرفته که روزنامه قدس از عباس آخوندی حمایت کرده به خودش مربوط است.

اما اینکه علیزاده که خود را متولی رسانه‌ای مستقل و منتقدی منصف می‌نامد، نقدی درباره خودش را بر نمی‌تابد و آن قدر عصبانی می‌شود که از هیچ هزل و هجوی نسبت به صدر تا ذیل نظام و نهادهای مختلف و اصولگرایان و اصلاح‌طلبان و ربط دادن دهها مسئله بی‌ربط به هم فروگذار نمی‌کند؛ طنز تلخ این جریان فکری است.

البته خیالپای‌های ایشان، مافیاسازی و ربط دادن دهها مسئله بی‌ربط را هم می‌گذاریم به حساب تأثیرات دماغی آب و هوا و پاییز لندن. جالب اینجاست که «علیز» همه متن را از رو می‌خواند ولی همین پاراگراف را نمی‌خواند چون موضوع روزنامه در این پاراگراف شفاف و در تضاد آشکار با ادعای اوست. او عصبانیت از نقد شدن را پشت ادعای «حمایت قدس از آخوندی» پنهان می‌کند و آسمان وریسمانی می‌بافد که بتواند از آن برای تاختن بر روزنامه قدس و تقریبا همه رسانه‌های دیگر و مسئولین کشور دستاویزی پیدا کند.

فریادهای توأم با الفاظ سخیف و بی ادبانه «علیز» در ویدئویی که منتشر کرده، نماد و تصویری گویا از رادیکالیسم در رفتار و گفتار است... و برای اثبات مدعای روزنامه قدس چه تصویری گویاتر از این؟! از شما ممنونیم آقای علیزاده!

دیدگاه

محمد ولایی | رئیس قوه قضائیه به‌منظور پیگیری پرونده‌های موسوم به تراستی‌ها شخصا در نشست‌ی آسیب‌شناسانه با حضور مقامات قضایی، یکی از متهمان دانه‌درشت و نمایندگان حقوقی بانک‌های شاکی شرکت کرد. حضور و سرکشی میدانی و مسئله‌محور نشانه توجه دستگاه قضا به موضوعی است که در ماه‌های گذشته بارها خبرساز شده است.

ورود مستقیم رئیس قضا به برخی موضوعات که با هدف تسریع در رسیدگی به مسائل و شکستن موانع اداری و نشان دادن حساسیت مدیریت عالی نسبت به مطالبات عمومی انجام می‌شود، می‌تواند با جلب توجه مدیران و افزایش فشار برای پاسخ‌گویی، در کوتاه‌مدت مؤثر باشد؛ اما به‌تنهایی کافی نیست و در کنار آن، نگاه فرایندی نیز ضرورت دارد. یعنی شناسایی ریشه‌های بروز مشکلات، اصلاح رویه‌های معیوب و ایجاد سازوکارهای پایدار برای نظارت و پاسخ‌گویی. چه‌بسا تکیه بیش از حد بر مداخله شخص رئیس قوه، حل مسائل را به ورود مودی و دستورات مستقیم وابسته کند.

البته محسنی اژه‌ای اصرار داشت این نشست نه به عنوان محکمه، بلکه به‌عنوان آسیب‌شناسی و کمک به تشخیص رئیس قوه در موضوع

گروه سیاسی | دو خبر همزمان معنای یکدیگر را روشن می‌کنند. طرح یک عملیات تازه علیه ایران در اسرائیل پیگیری شده، اما اجرای آن متوقف مانده؛ در مقابل، ایران با وجود استقبال از مذاکره، بازگشت به میز گفت‌وگو زیر محاصره و تهدید را نمی‌پذیرد. مسئله فراتر از توافق هسته‌ای است. به آمریکا هیچ وقت نمی‌توان اعتماد کرد.

عملیاتی که ترمز آن کشیده‌شده‌است

فایننشال تایمز روز گذشته به نقل از منابع آگاه گزارش داد نتانیاهو دستور آماده‌سازی حمله چندروزه‌ای به ایران را برای دهم اکتبر داده‌بود. عملیاتی که احتمالاً تأسیسات هسته‌ای و زیرساختی را هدف می‌گرفت، اما با مخالفت ترامپ که نگران پیامدهای تشدید جنگ پیش از انتخابات سوم نوامبر آمریکاست، کنار گذاشته شد. این خبر از طرحی اجرانشده حکایت دارد، نه دستور حمله تازه. سفر اخیر وزیر دفاع آمریکا به اسرائیل نیز احتمال تداوم برنامه‌ریزی نظامی را مطرح‌نگه می‌دارد. یائیر گولان، سیاستمدار مخالف نتانیاهو نیز درباره کشاندن اسرائیل به جنگ تازه پیش از انتخابات ۲۷ اکتبر هشدار داد. برای ایران، نتیجه روشن است. تعویق یک عملیات به‌معنای رفع خطر نیست و حفظ آمادگی دفاعی، حتی هنگام پیگیری دیپلماسی، ضرورتی واقعی است.

دیپلماسی باتضمین؛ پاسخ ایران به واشنگتن

سیدعباس عراقچی امروز در یادداشتی در فایننشال تایمز نوشت ایران خواهان حل‌وفصل آبرومدانه و مسالمت‌آمیز است، اما برای دفاع از خود نیز کاملاً آماده مانده‌است. مسعود پزشکیان نیز تأکید کرد آمریکا نمی‌تواند هم بنادر ایران را محاصره‌کند و تهدید نظامی را ادامه دهد و هم انتظار گفت‌وگو داشته باشد. در مقابل، مارکو روبریو از میانجی‌گری قطر و پاکستان استقبال کرد، ولی دستیابی به توافق را دشوار دانست و تصمیم‌نهایی را به ترامپ سپرد.

گزارش

فایننشال تایمز از طرح اسرائیل برای حمله به ایران و توقف آن با مخالفت ترامپ خبر داده. همزمان عراقچی در همین روزنامه از آمادگی برای دفاع نوشته است

تردید در اردوگاه جنگ‌طلبان



هرمز؛ جریان نفت برگشته، هزینه بحران نه

داده‌های تازه کیلر مدعی است صادرات نفت منطقه با کمک خطوط جایگزین و انتقال محموله میان شناورها، در هفته منتهی به ۱۸ اکتبر حتی از سطح پیش از جنگ فراتر رفته‌است. طبق گزارش وال استریت ژورنال، حدود ۱۴ میلیون بشکه در روز نیز از مسیر هرمز و انتقال‌های مرتبط جابه‌جا شده؛ اما شمار

سفر عاصم منیر، فرمانده ارتش پاکستان به تهران در همین چارچوب قرار می‌گیرد.

ایران می‌گوید بدن اقدام عملی واشنگتن برای اعتمادسازی، تکرار توافق‌هایی که در میانه مذاکرات با حمله نظامی نقض شده‌اند پذیرفتنی نیست. این موضع تلاشی برای تبدیل بازدارندگی به تضمین اجرایی است، نه رد مذاکره.

چرا گسیل گسترده میانجی‌ها، با برخورد سرد تهران مواجه شد؟

رکب ایرانی به دیپلماسی انتخاباتی ترامپ

رکب به بازی سیاسی ترامپ

در شرایطی که دقیقاً دو هفته تا ماراتن انتخابات در آمریکا فاصله داریم، گسیل گسترده میانجی‌ها به پایوسی، مشکوک است. تصمیم‌سازان ایرانی از خود می‌پرسند چه شده‌ترامپی که چهار ماه پس از توافق اسلام‌آباد برای زنده کردن آن کاری نکرد، حال دیپلمات‌ها را برای رفتن به تهران به خط کرده؟ جواب البته واضح است. جمهوری اسلامی اگرچه هیچ‌گاه اصل دیپلماسی را رد نکرده ولی در مقطع جاری مذاکره را بازی روانی و رسانه‌ای کاخ سفید برای متعادل کردن بازار انرژی و دشت آرای مردم در آستانه انتخابات میان‌دوره‌ای مجلس می‌داند. این سناریو جواب هم داد؛ چرا که پس از حضور «منیر» در تهران، بازار نفت ریزش لحظه‌ای ۵دلاری را تجربه کرد. ولی اظهارات محکم قالیباف و رضایی و تأکید بر اینکه ایران امتیاز نخواهد داد ورق را برگرداند و درجه افزایش قیمت نفت را به ۱۱۱ دلار در هر بشکه برساند.

شروط ایران مشخص است

حضور مقامات روسیه، پاکستان و احتمالاً قطر در تهران که هر کدام از جنبه‌ای تلاش کرده‌اند جمهوری اسلامی را به انعطاف به خرج دادن مقابل آمریکا متقاعد کنند در فضایی است که شرط روی میز مشخص است و از نگاه ما نیاز به چانه زدن دوباره نیست. در این باره می‌توان به سخنان قالیباف در دیدار با عاصم منیر استناد کرد که گفت: «ما حرف جدیدی نداریم؛ آمریکا باید شروط هفت‌گانه را

حملات دریایی و هزینه بیمه همچنان بالاست. ایران هنوز می‌تواند ریسک و هزینه‌ه کشتیرانی را در محاسبات واشنگتن و بازار جهانی وارد کند، اما طرف مقابل نیز برای کاهش وابستگی به مسیر تنگه سرمایه‌گذاری کرده‌است.

پیمان تازه در دوحه؛ همسایگان به دنبال چترهای بیشترند

وزارت دفاع ترکیه امروز اعلام کرد آنکارا، قطر، پاکستان و اندونزی تفاهم‌نامه «بدر» را برای همکاری صنعتی، آموزشی و تحقیقاتی دفاعی امضا کرده‌اند. این توافق جدا از پیمان مکه میان ترکیه، پاکستان و عربستان است و به‌خودی‌خود ائتلاف ضدایرانی محسوب نمی‌شود؛ اما نشان می‌دهد کشورهای منطقه در حال متنوع کردن ترتیبات امنیتی خود هستند. مکرور نیز از قطر راهی ریاض شد تا درباره امنیت و انرژی گفت‌وگو کند. در آرزو یابی منتشرشده مؤسسه مطالعات جنگ و پروژه تهدیدهای بحرانی آمریکا، کنترل ارتفاعات حساس اطراف تعز در یمن همچنان مورد مناقشه است. این ارزیابی همچنین می‌گوید اعزام جنگنده‌های بریتانیایی به عربستان می‌تواند بخشی از توان هوایی سعودی در براری عملیات دیگر آزاد کند.

انتخابات اسرائیل، بدون تغییر بنیادین در نگاه به ایران

واشنگتن پست و روتیزر در بررسی برنامه‌های انتخاباتی اسرائیل نوشته‌اند رقبای اصلی نتانیاهو نیز ایران را تهدید اصلی می‌دانند و در مخالفت با برنامه هسته‌ای ایران اختلاف بنیادینی با او ندارند. تفاوت آنان بیشتر در شیوه مدیریت عملیات است.

آزمون اصلی، تبدیل بازدارندگی به نتیجه‌است

مجموع اخبار ۲۴ ساعت اخیر یک تصویر روشن را نشان می‌دهد؛ آمریکا نتوانسته با اسکورت نظامی و محاصره اقتصادی، به هدف موردنظرش در تنگه هرمز برسد. بنابراین بار دیگر حمله نظامی، به یکی از سناریوهای احتمالی برای روزهای پیش رو تبدیل شده‌است.

اجرا کند». تهران در مسیر رسیدن به تفاهم تا حد ممکن در اصول خود انعطاف زیادی به خرج داده و این واشنگتن است که اگر واقعاً به دنبال صلح است باید

با تحقق شروط از جنگ جلوگیری کند نه اینکه با گرو زدن گفت‌وگو به مشخص شدن ذخایر اورانیوم کشورمان آن را به بن‌بست برساند.

عقب‌نشینی در کار نیست

با وجود افزایش خطر جنگ زیر سایه اقدامات تحریک‌آمیز ترامپ و نتانیاهو، استقبال سرد از میانجی‌گران و طرح‌های آن‌ها، اثبات کرد جمهوری اسلامی حاضر به عقب‌نشینی نیست. توییت معنادار پزشکیان با این مضمون که ما ایرانی‌ها «خاک می‌خوریم اما خاک نمی‌دهیم»؛ مفهومی که عیناً در توییت مهرداد اخلاقی، وزیر جدید دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح بازنشر شد، یک معنی بیشتر ندارد؛ تهران اگرچه مذاکره را مسیری مهم برای کاهش تنش می‌بیند ولی مقابل تهدیدها خم به ابرو نیاورده و کوتاه نمی‌آید. مجموع این مواضع نشان می‌دهد ایران نه از قدرت نظامی دشمن ترس دارد و نه از دیپلماسی، اما مذاکره با کسانی که بارها بدعهدهی کرده‌اند و اکنون هم آن را نه در مسیر واقعی بلکه ابزاری برای تغییر مدیریت افکار داخلی می‌بینند، کاری عبث است. خطوط راهبردی دیپلماسی و بازدارندگی دفاعی ما مشخص است و اکنون ترامپ است که باید تصمیم بگیرد می‌خواهد به این شروط عمل کند یا قصد دارد طعم شکست دیگری را بچشد.

ایده‌ای که دوباره طرح شد؛ این بار از سوی معاون اول رئیس‌جمهور در سفر تاجیکستان

اتحادیه تمدنی؛ گامی به سوی هم‌گرایی منطقه‌ای

ماهیت‌های مختلف سیاسی، اقتصادی و حتی نظامی؛ شکل‌گیری یک اتحادیه تمدنی و مبتنی بر عناصر فرهنگی و تاریخی مشترک می‌تواند ظرفیت بی‌نظیری برای ایجاد همدلی و هم‌افزایی میان ملت‌ها خلق کرده و به قوام و پایداری هر چه بیشتر همکاری میان کشورها کمک کند. به‌طور خاص در رابطه با زبان و فرهنگ فارسی، تشکیل این اتحادیه ممکن است برای کاهش مخاطرات به‌وجود آمده برای بقای این زبان در مناطقی همچون افغانستان تحت حاکمیت طالبان و یا در منطقه شبه‌قاره هند، راهکاری مناسب تلقی شود.

اما در وهله دوم با مسئله ورود این طرح‌ها و ایده‌های تمدنی به فاز اجرایی روبه‌رو هستیم. به لحاظ نمونه تاریخی، ایده تشکیل «سازمان فرهنگی-هنری کشورهای فارسی‌زبان» عملاً با ناکامی مواجه‌شد و در سطحی نمادین باقی ماند.

عدم تخصیص بودجه مناسب و دبیرخانه فعال و یا عدم

مرزهای سیاسی هستند که با تکیه بر خصوصیات

همچون ناسیونالیسم و قوم‌گرایی، اکنون به تهدیدی برای ثبات و امنیت منطقه تبدیل شده‌اند. بنابراین یادآوری و بازگشت به این پیوندهای زبانی و تمدنی در قالب یک

اتحادیه تمدنی، احتمالاً بتواند در کم‌رنگ شدن بخشی از

چالش‌ها و بحران‌های منطقه اثرگذار باشد.

در محور دوم، مسئله بحران هویتی قرار دارد که عصر دیجیتال و تهاجم فرهنگی نرم برای مردم جوامع مختلف رقم زده‌است. این گسستگی و چالش هویتی به‌خصوص در میان جوانان و آن‌ها که به «نسل زد» موسوم شده‌اند، مشهودتر است. ایجاد یک اتحادیه تمدنی و تلاش برای یادآوری هویت مشترک، پیوندهای فرهنگی و تمدنی و بازگشت به حافظه تاریخی، شاید بتواند در کم‌رنگ شدن این چالش‌های هویتی اثرگذار باشد. در بُعدی دیگر، در عصر چندجانبه‌گرایی و شکل‌گیری اتحادیه‌هایی با

رئیس قوه قضائیه شخصا پیگیر مهم‌ترین پرونده اقتصادی این روزها شد

جست‌وجو برای ساز و کار نظارت بر تراستی‌ها

دیگر صرفاً بازگشت ارز با مجازات متخلف نیست؛ پرسش این است که چگونه مجموعه‌ای از سازوکارهای رسمی، امکان شکل‌گیری چنین وضعیتی را فراهم کرده‌اند؟ و چرا سازوکارهای نظارتی نتوانسته‌اند مانع شکل‌گیری آن شوند؟

تراستی‌ها در شرایطی اهمیت یافتند که تحریم‌های آمریکا امکان فروش عادی نفت و دسترسی مستقیم به درآمد‌های آن و تأمین نیازهای کشور را محدود کرد. استفاده از واسطه‌ها، شبکه‌های مالی جایگزین و سازوکارهای غیرمتعارف، پاسخ به محدودیت‌هایی بود که منابع اقتصادی و توان اداره کشور را هدف گرفته بودند و از این نظر ابتکار عملی بوده در راستای مقاومت اقتصادی، برای خروج از بن‌بست و پیچیده نشدن نسخه تسلیم.

اما دور زدن تحریم، نباید به معنای دور زدن مسئولیت باشد و استثنائات تحریمی به استثنای نظارتی بینجامد. گرچه ضرورت استفاده از مسیرهای

مشارکت دانشگاه‌ها و فعالان بخش خصوصی را از دلایل این ناکامی برشمرداند.

در حال حاضر نیز ایده تشکیل اتحادیه کشورها و مناطق فارسی‌زبان یا در تعبیری دیگر اتحادیه تمدنی، بیش از هر چیز به هدایت‌ها و حمایت‌های عملی نیاز دارد. ایجاد دبیرخانه دائمی، تشکیل شورای فرهنگی مشترک، برگزاری جشنواره‌های فرهنگی علمی و هنری، نکوداشت مناسبت‌ها مانند نوروز، برقراری ارتباطات فرهنگی در سطوح مختلف و شاید از همه این‌ها مهم‌تر، پوشش مالی و بحث تأمین بودجه ایجاد ارکان اتحادیه تمدنی، می‌تواند در ورود این ایده به حوزه اجرایی و یا پایداری بقای آن پس از شکل‌گیری، مهم ارزیابی شود. استفاده از ظرفیت‌های اقتصادی حوزه تمدنی مشترک در بخش‌هایی مانند گردشگری فرهنگی و درمانی، بازارهای مشترک کالا و خدمات و توسعه سرمایه‌گذاری‌ها به‌ویژه در مسیرهای ریلی و جاده‌ای نیز در تسهیل اجرایی شدن این ایده‌ها نقشی مؤثر ایفا خواهند کرد.

جایگزین معاملات قابل فهم است، اما سازوکارهای اعتبارسنجی، ثبت

تعهدات، تناسب ضمانت‌ها و نظارت بر بازگشت منابع نباید کنار گذاشته شود؛ رویه‌ای که در برخی موارد همین راهکار رفع آسیب خارجی را به آسیب داخلی تبدیل کرده‌است.

مقاومت اقتصادی علاوه بر یافتن راه‌های عبور از تحریم، حفاظت از منابعی که با هزینه و دشواری فراوان بدست می‌آیند را نیز شامل می‌شود. و اتفاقاً هر چه مسیر مبادله پیچیده‌تر و پرریسک‌تر باشد، نیاز به کنترل و نظارت دقیق‌تری خواهد داشت و هر چه هزینه تأمین و انتقال منابع ملی بیشتر باشد، صیانت از آن اهمیت بیشتری پیدا می‌کند.

طبیعتاً چنین سازوکار نظارتی را در وضعیت تحریمی نمی‌توان در ساختارهای بین‌المللی جست و تنها طراحی و تقویت سازوکارهای نظارتی بومی و متناسب با شرایط تحریمی است که می‌تواند به این هدف کمک کند. اما آنچه اهمیت دارد، ایفای نقش قوه قضائیه در حوزه حکمرانی و دفاع از امنیت اقتصادی است که سبب می‌شود کارکردش در حلقه آخر مبارزه با فساد تحقق‌یافته خلاصه نشود. موضوعی که رهبر معظم انقلاب چهار ماه پیش در پیام‌نشان به دستگاه قضایی بر آن تأکید کرده بودند.